

سال خطرناک ۱۹۷۵

دنیا سال ۱۹۷۵ را با وحشت بروز یک جنگ جدید در خاورمیانه ، و تشدید تورم و بحران اقتصادی و خطر کمبود مواد غذایی آغاز میکند.

بقدری جدی است که شاید تا رسیدن این نوشته به تهران و انتشار آن در «مسائل جهان» آتش جنگ در گوشه‌ای از این منطقه بحران زده روشن شده باشد: از چند هفته پیش با یفتر لحن صحبت‌های رهبران کشورهای عرب و اسرائیل بطور آشکار خشن‌تر شده و در لابلای سخنان مقامات رسمی این کشورها تهدید استفاده از سلاح اتمی در جنگ آینده خاورمیانه هم بگوش میخورد. این مطالب شاید در نظر اول نوعی «بلوف» سیاسی برای ترساندن طرف مقابل و گرفتن امتیازات بیشتری از حریف تلقی شود، در حالیکه واقعیت اینطور نیست و با کمال تأسف باید گفت که این بار خطر وقوع یک جنگ بزرگ و دامنه‌دار در خاورمیانه بر مراتب پیش از گذشته است.

عواملی که خطر بروز یک جنگ جدید را در خاورمیانه افزایش داده بطور خلاصه از این قرار است:

۱- اسرائیلیها پس از جنگ اکتبر سال گذشته و پس دادن قسمتی از سرزمین‌های اشغال شده اعراب ، که با پیروزیهای دیپلماتیک بعدی

در آستانه سال ۱۹۷۵ وحشت یک جنگ بزرگ و تازه در خاورمیانه ، با ابعادی بر مراتب وسیع‌تر از چهار جنگ گذشته اعراب و اسرائیل جهان را فرا گرفته و آنچه بر وحشت و نگرانی دنیای غرب از این جنگ محتمل و قریب‌الوقوع می‌افزاید خطر قطع جریان نفت خاورمیانه به غرب بدنبال این جنگ و تجدید بحران کمبود سوخت و مشکلات اقتصادی ناشی از آنست.

جز در سالهای تاریک جنگ دوم جهانی ، کمتر سابقه داشته است که افکار عمومی در دنیای غرب در آستانه سال نو تا این اندازه مضطرب و وحشت زده و نا امید باشد و علت اصلی این نگرانی و نومییدی، علاوه بر خطر وقوع جنگ تازه‌ای در خاورمیانه، تورم و گرانی و رکود اقتصادی و خطر تشدید آن در سال آینده میباشد و همانطور که گفته شد افکار عمومی در غرب با مرتبط ساختن این دو مسئله بیکدیگر بیشتر دچار وحشت و نگرانی شده است .

خطر جدی است ...

خطر وقوع یک جنگ جدید در خاورمیانه

جنگ خاورمیانه و نفت

بموجب گزارش هایی که در مطبوعات انگلستان انتشار یافته ، اسرائیل از هر جهت خود را برای آغاز جنگ جدیدی با اعراب آماده کرده و اگر قبل از فرا رسیدن سال نو میلادی دست به حمله نزند در نیمه اول سال ۱۹۷۵ جنگ پنجم خود را با اعراب آغاز خواهد کرد . بعضی از مفسران سیاسی که تاریخ وقوع جنگ را نزدیکتر احساس میکنند به سفر برنرف دبیر کل حزب کمونیست شوروی به قاهره در اواسط ژانویه اشاره کرده و مینویسند اسرائیل ممکنست قبل از انجام این مسافرت که احتمالا موجب نزدیکی مسرو شوروی و قبول تعهدات تازه ای از طرف مسکو در برابر قاهره خواهد شد ، جنگ را آغاز کند و شوروی را در برابر عمل انجام شده قرار دهد .

نتایج پنجمین جنگ اعراب و اسرائیل هر چه باشد ، آنچه مسلم است جریان نفت کشورهای عربی به غرب ، بویژه آمریکا دچار اختلالات تازه ای خواهد شد . در صفحات مطبوعات کشورهای غربی ، بخصوص مطبوعات آمریکا اینروزها اخبار و گزارش هایی درباره احتمال مداخله نظامی آمریکا در کشورهای نفت خیز عربی ، در صورت تحریم مجدد نفتی اعراب بچشم میخورد که هر چند از طرف مقامات رسمی آمریکا تایید نشده قابل تأمل است . همزمان با انتشار این گزارش ها شمعون پرز وزیر دفاع اسرائیل تهدید کرده است که در جنگ آینده خاورمیانه کشورهای نفت خیز عرب مانند عربستان سعودی و کویت و لیبی و امارات متحده عربی در صورتیکه به نیرو های در حال جنگ با اسرائیل کمک کنند از حملات انتقامی اسرائیل مصون نخواهند ماند . حال این سؤال مطرح میشود که آیا اسرائیل میتواند بدون جلب موافقت حامی بزرگ خود آمریکا

اعراب در سازمان ملل متحد و شناسایی سازمان آزادی بخش فلسطین از طرف ملل متحد دنبال شد از نظر سیاسی در موقعیت بسیار ضعیفی قرار گرفته اند و تصور میکنند که در صورت ادامه وضع موجود ، ناچار از دادن امتیازات بیشتری به اعراب خواهند شد ، در صورتیکه با تغییر وضع کنونی بنفع خود و اشغال اراضی جدید در کشور های عرب در موقعیت بهتر و نیرومندتری میتوانند با اعراب وارد مذاکره شوند و شرایط مورد نظر خود را در ازاء تخلیه سرزمین های اشغالی به کشورهای عرب تحمیل کنند .

۲ - اسرائیلیها از افزایش قدرت نظامی کشورهای عرب و سیل اسلحه ای که در ازاء پول نفت به این کشورها سرازیر شده دچار وحشت شده اند و تصور میکنند که دیگر عامل زمان بنفع آنها کار نمیکنند . رهبران اسرائیل در درجه اول خواهان درهم شکستن قدرت نظامی سوریه و انهدام پایگاههای موشکی و تجهیزات دفاعی جدید آن کشور هستند و در صورت مداخله کشور های دیگر عرب ، از حمله به آن کشورها هم خودداری نخواهند کرد .

۳ - توسعه فعالیت سازمان آزادی بخش فلسطین پس از شناسایی آن از طرف سازمان ملل متحد بیش از عوامل دیگر موجب خشم و ناراحتی اسرائیلیها شده و انهدام مراکز عمده فعالیت سازمان آزادی بخش فلسطین در سوریه و لبنان یکی از هدفهای اصلی حمله احتمالی اسرائیل به این دو کشور خواهد بود ، بسیاری از رهبران سیاسی و نظامی اسرائیل تصور میکنند که اگر اقدام سریعی برای جلوگیری از گسترش فعالیت سازمان آزادی بخش فلسطین بعمل نیاید ، این سازمان در تعقیب هدفهای خود برای نابودی اسرائیل و تشکیل یک حکومت واحد فلسطینی جری تر خواهد شد .

خنثی کردن آثار افزایش قیمت نفت عنوان شده افزایش قیمت طلا و معاملات رسمی طلا به قیمت های بسیار بالا و نامعقول بازار آزاد می باشد . دولت آمریکا اخیراً تصمیم گرفت که دو میلیون اونس از طلای موجود خزانه آمریکا را به قیمت بازار آزاد، که پیش از چهار برابر قیمت رسمی آن می باشد بفروشد برساند . و بدنبال آن در ملاقات روسای جمهوری آمریکا و فرانسه در جزیره مادیتینیک اعلام شد که رهبران دو کشور درباره ارزیابی مجدد ذخایر طلا و آزادی خرید و فروش آن از طرف بانکهای مرکزی دو کشور به نرخ بازار آزاد به توافق رسیده اند .

مفهوم این توافق تثبیت نرخ طلا به قیمت بازار آزاد، یعنی کاهش ارزش واقعی پول کاغذی است که با مال به تشدید تورم و افزایش قیمت ها خواهد انجامید و عکس العمل طبیعی کشورهای صادرکننده نفت در برابر این تدبیر جدید کشور های صنعتی افزایش مجدد قیمت نفت برای حفظ قدرت خرید آن، یا در مرحله نهایی مبادله طلای سیاه با طلای زرد خواهد بود که با توجه به محدودیت ذخایر طلا در جهان بحران غنیمی بوجود خواهد آورد .

خطرات دیگر ..

در سال ۱۹۷۵ علاوه بر بحران اقتصادی و خطر وقوع جنگ در خاورمیانه ، مخاطرات دیگری نیز در کمین صلح و امنیت بین المللی است که با اختصار به آنها اشاره می کنم :

۱- در ویتنام خطر آغاز تهاجم بزرگ کمونیستها برای تسلط بر سراسر این کشور

کشورهای نفت خیز عرب را مورد حمله قرار دهد ، یا این تهدیدها ، با نقشه قبلی و بمنظور زمینه سازی برای مداخله نظامی آمریکا در کشور های نفت خیز عرب ، زیر سرپوش حفظ منافع حیاتی غرب در برابر حملات احتمالی اسرائیل می باشد ؟

نفت و طلا

آثار افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۴ ، که با تصمیمات کنفرانس اخیر سازمان کشور های صادرکننده نفت در وین با نرخی افزونتر از سال گذشته برای سال آینده تثبیت شده (۱) در سال ۱۹۷۵ بیشتر از سال گذشته موجب تورم و رکود اقتصادی غرب خواهد شد . بعضی از کشورهای بزرگ صنعتی از هم اکنون با طرح برنامه هایی برای کاهش مصرف نفت در سالهای آینده و توجه به منابع دیگر انرژی یا انعقاد قراردادهای دوجانبه با کشور های صادرکننده نفت برای تأمین نفت مورد نیاز خود در برابر کالاهای و خدمات مورد نیاز کشورهای صادرکننده نفت راه حل های منطقی و عاقلانه ای را برای رفع مشکلات خود دنبال میکنند . ولی محافل حاکمه برخی از کشورهای دیگر با وجود شکست سیاست تهدید و مبالغه با او یک در سال گذشته هنوز از تمعیب این روش غلط دست برنداشته اند و تهدید های پنهان و آشکار مداخله نظامی برای حفظ منافع نفتی غرب هم دنباله همین افکار کهنه استعماری است .

راه حل غیر منطقی و غیر عملی دیگری که اخیراً از طرف بعضی از کشورهای صنعتی برای

۱- کنفرانس اوپک که از روز ۱۴ تا ۱۵ دسامبر در وین تشکیل شده بود تصمیم گرفت ۳/۹ درصد بر مبلغ دریافتی کشورهای صادرکننده زهر بشه نفت بیافزاید و قیمت جدید را برای ۹ ماه اول سال ۱۹۷۵ تثبیت نماید . بر اساس نرخی که تعیین شده دریافتی کشورهای اوپک از نفت در سال آینده تقریباً پنج برابر سال ۱۹۷۳ خواهد بود .

جدی بنظر میرسد، و سال ۱۹۷۵ با احتمال قوی سال آغاز جنگ‌های تازه و خونینی در این سر-زمین خواهد بود.

۲- با دست یافتن هند به سلاح اتمی و تلاش پاکستان برای تهیه این سلاح، اوضاع شبهه‌ناک هند با ردیگر بحرانی شده و اگر اقدامات جدی و تازه‌ای برای رفع خطر از پاکستان بعمل نیاید، وقوع یک انفجار دیگر در این منطقه اجتناب‌ناپذیر بنظر میرسد.

۳- در قبرس، با مراجعت ماکاریوس و پافشاری وی برای تجدید وحدت این کشور بر اساس قرارداد استقلال قبرس امیدوی به رفع اختلافات جوامع یونانی و ترک و خروج نیرو-های ترکیه از این کشور نیست. با وجود این احتمال تیدیل این بحران به جنگی بین ترکیه و یونان نیز بید بنظر میرسد.

۴- و بالاخره خطر گرسنگی در بهار و تابستان آینده، بار دیگر میلیون‌ها انسان آسیایی و آفریقایی را به آستانه مرگ خواهد برد و تسمیمات و میباحثات کنفرانس غذایی رم که هنوز از روی کاغذ تجاوز نکرده برای نجات گرسنگان آسیا و آفریقا از چنگال مرگ کمکی نخواهد کرد ..

عوامل امیدوار کننده ..

با آنچه گذشت دنیای تاریکی را برای شما تصویر کردم، ولی نمیخواهم نوشته خود را با چنین بدبینی مفرطی بیابان آورم. بخصوص که در میان این تاریکی‌ها نور امیدوی هم هست، و با همه عوامل مایوس کننده نباید بعضی عوامل

امیدوار کننده را از یاد برد.

آنچه یاهمه مخاطرات موجود، امید به حفظ صلح جهانی و جلوگیری از یک جنگ بزرگ و عالمگیر را در دلها زنده میکند تفاهمی است که بین دو قدرت بزرگ جهانی برای جلوگیری از بروز یک فاجعه اتمی بوجود آمده و این تفاهم با مذاکرات اخیر رهبران آمریکا و شوروی در «ولادیوستک»، بر پایه محکمتری استوار شده است. خوشبختانه دهر دو کشور زمامداران واقع‌بینی بر سر کارند و با آگاهی کامل آنان به عواقب توسعه جنگ محتمل آینده خاورمیانه، این امیدواری وجود دارد که با اشتراک مساعی و قدرت بزرگ از بروز جنگ دیگری در خاورمیانه جلوگیری شود، و در صورت وقوع جنگ از توسعه آن جلوگیری بعمل آید. زیرا آنچه مسلم است قسمت اعظم تجهیزات جنگی کشورهای متخاصم بوسیله آمریکا و شوروی تأمین میشود و ابر-قدرتها توانائی آنرا دارند که با قطع این کمکها آتش جنگ آینده خاورمیانه را پیش از آنکه عالمگیر شود خاموش نمایند.

در باره عوامل مشدده بحران اقتصادی جهان و خطر مداخله نظامی در کشورهای نفت خیز هم میتوان امیدوار بود که رهبران کشورهای بزرگ صنعتی غرب پیش از مبادرت به هر گونه اقدام حاد در باره عواقب آن بیاندیشند و از آنجا که نتایج منفی چنین اقداماتی بطور قطع بیش از نتایج مثبت آن است، با استفاده از حسن نیت و واقع‌بینی رهبران اکثریت کشورهای صادر کننده نفت، برای یافتن یک راه‌حل منطقی و عملی برای رفع بحران کنونی با آنان به گفتگو بنشینند.